

نوشین انصاری (محقق)

کتابخانه‌های ایران از تأسیس دارالفنون تا انقلاب مشروطیت

سالهای ۱۳۱۵-۱۲۶۹ ه. ق.

کتابخانه مدرسه دارالفنون. نخستین سنگ بنای مدرسه دارالفنون در اوایل سال ۱۲۶۶ ه. ق. گذاشته شد^۱ و جشن افتتاح مدرسه در تاریخ یکشنبه پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۸ ه. ق. برپا گشت^۲. به نظر می‌رسد که فکر ساختن محلی برای کتابخانه از همان آغاز وجود داشته و مخارج ساختمان سه اطاق برای این منظور برآورده شده بوده است^۳. حدود یکسال پس از افتتاح مدرسه، یعنی در تاریخ ۱۲۶۹ ه. ق. علینقی هدایت^۴ به کتابداری مدرسه منصوب^۵ و برحسب گزارش روزنامه **وقایع اتفاقیه** در سال ۱۲۷۵ ه. ق. «پنجاه تومان بر یکصد تومان مواجش» افزوده می‌شود^۶. مجموعه این کتابخانه بیشتر شامل کتب گوناگون اهدایی و کتب درسی از تالیفات و یسا ترجمه‌های مدرسین خود مدرسه بوده است. در مورد اول می‌توان از مجموعه‌های اهدایی علینقی‌خان اولین کتابدار مدرسه^۷ و اعتضادالسلطنه^۸ در سال ۱۲۸۰ ه. ق. نام برد^۹. در مورد دوم می‌توان از ترجمه‌های آثار دکتر پولاک در پزشکی و آثار مربوط به توپخانه نام برد که پس از انتشار به کتابخانه مدرسه تحویل داده شده است^{۱۰}. همچنین به نظر می‌رسد امکان خرید کتاب نیز برای این کتابخانه پیش‌بینی شده بوده است^{۱۱}. در گزارش مدرسه در سال ۱۲۸۸ ه. ق. نام اسدالله‌خان به عنوان کتابدار ذکر شده است^{۱۲}، و از آنجا که صحبت از شانزده تومان اضافه مواج است، قطعاً نامبرده از مدتی قبل به این سمت منصوب شده بوده است. آن طور که از جراید و تقویمهای سالانه این دوره برمی‌آید وی لااقل تا سال ۱۳۰۹ ه. ق. به کتابداری مدرسه اشتغال داشته است^{۱۳}. در قسمت دیگری از این مقاله مجدداً به کتابخانه دارالفنون اشاره خواهد شد.

کتابخانه انجمن نامه دانشوران. انجمن در سال ۱۲۹۴ ه. ق. تحت ریاست اعتضادالسلطنه تأسیس شد. شاید بتوان گفت تأسیس این انجمن اولین کوشش جمعی است که تاکنون در ایران جهت تدوین مجموعه‌ای خاص شرح حال نام‌آوران اسلام و ایران انجام گرفته است. سرپرست فاضل و جهاننیده این مجموعه در دستورالعمل جامعی که برای نویسندگان آن تهیه کرده، مکرر به ضرورت تتبع و تحقیق اشاره نموده است^{۱۴}. بدیهی است چنین طرحی بدون داشتن کتابخانه مجهز امکانپذیر نبوده است. در مورد این کتابخانه اطلاعات چندانی در دست نیست جز این که در تقویم سال ۱۲۹۹ ه. ق. ذیل «مؤلفین و اجزاء مجلس تألیف» **نامه دانشوران** نام آقا سید علی

کتابدار آمده و در سال بعد تعداد کارمندان کتابخانه دو نفر یعنی يك کتابدار و يك «مسوودنویس» ذکر شده است. به نظر می‌رسد که این کتابخانه را باید از اولین کتابخانه‌های اختصاصی در ایران دانست.

کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌های بین سالهای ۱۳۲۲-۱۳۱۶ ه. ق.

توسط میرزا حسن خازن لشکر جنب مسجد و مدرسه‌ای که خود او در نزدیکی ارك تأسیس کرده بود به عنوان يك مجموعه وقفی تأسیس شد^{۱۶}. اداره این کتابخانه بر عهده حاج میرزا محمدحسن شریعتمدار بود. طالبان کتاب می‌توانستند با سپردن قبض کتاب را «از کتابخانه مزبوره برده و پس از رفع احتیاج و استخاء حفظ خود» به کتابخانه بازگردانند.

کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌های بین سالهای ۱۳۲۲-۱۳۱۶ ه. ق.

کتابخانه ملی مرکزی ایران. این کتابخانه به شهادت مهر کتابخانه و قفیه‌های درون کتب در روز هفتم جمادی‌الثانی ۱۳۱۶ ه. ق. افتتاح گردید^{۱۷}. مجموعه اصلی کتابخانه به‌صورت اهدا از طرف اعضای انجمن معارف در اختیار گذاشته شد و «به زمان کم بیش از هزار جلد کتاب در فنون مختلف» جمع‌آوری گشت^{۱۸}. ریاست کتابخانه بر عهده میرزا اسماعیل آجودان‌باشی^{۱۹} بوده است. در همان سال تأسیس برحسب فرمانی از طرف مظفرالدین‌شاه، جمفرقلی‌خان نیرالملک وزیر معارف و علوم مأمور رسیدگی به امور و تأسیسات فرهنگی از جمله کتابخانه می‌شود^{۲۰} و آجودان‌باشی تا سال بعد یعنی ۱۳۱۷ ه. ق. در مراسم «چشم سال اول مدارس و مکاتب جدید» هنوز رئیس این کتابخانه بوده است^{۲۱}. به‌هلت دودستگی بین اعضای انجمن کار کتابخانه دوام نمی‌یابد و در شعبان سال ۱۳۱۷ ه. ق. کتابخانه به هم می‌خورد^{۲۲}. مجموعه کتابخانه مدتی نزد وزیر علوم بوده، سپس تعدادی از کتابها به کتابخانه مدرسه دارالفنون منتقل شده است.

کتابخانه مدرسه لقماتیه، تبریز. این کتابخانه جزء يك مجموعه فرهنگی شامل «مدرسه، انجمن معارف، اداره روزنامه، مطبعه چاپ حروف و دواخانه عمومی» پیش‌بینی شده است^{۲۳}. طرح کلی این سازمان یادآور طرح مدرسه دارالفنون در تهران است. مواد ده تا سیزده «نظامنامه» ۵۹ ماده‌ای این مجموعه فرهنگی به «کتابخانه ملی» اختصاص یافته است^{۲۴}. از جمله اینکه مجموعه کتابخانه به کتاب محدود نبوده و «نقشه و کره»^{۲۵} و روزنامه و پرده مصور و لوازم‌التحریر» را نیز در بر خواهد گرفت، اگر کتابی در کتابخانه نباشد به‌وسیله پست از خارج سفارش داده خواهد شد، کتاب برای ترجمه در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت، و تأکید بر این که استفاده از کتابخانه صرفاً خاص محصلان مدرسه نیست بلکه «هرقبیل کتب و اسباب به قانون جداگانه» به دیگران امانت داده می‌شود. باید توجه داشت که محمدصادق فراهانی ادیب‌الممالک^{۲۶} عهده‌دار نیابت امور مدرسه بوده^{۲۷} و نگرش پخته‌ای که در اهداف کتابخانه دیده می‌شود بی‌گمان متأثر از نظر اوست. در قسمت دیگر مقاله مجدداً از

ادیب‌الممالک یاه خواهد شد.

فروش کتاب و نشریات. در این دوره همچنین قرائت‌خانه‌ها و کتابخانه‌هایی به وجود آمد که در حقیقت دارای دو جنبه بود، از یکسو محلی بود برای جمع‌شدن علاقه‌مندان به مطبوعات و از سوی دیگر مرکز فروش این مواد بود. از جمله می‌توان از قرائت‌خانه‌هایی که در بادکوبه ۲۸ و در بارفروش (بابل) ۲۹ تأسیس شد و وکالت و توزیع روزنامه **تربیت** را برعهده داشت و از کتابخانه **کمال** ۳۰ و کتابخانه **تربیت** ۳۱ در تبریز نام برد. کتابخانه اخیر نه تنها محل تجمع علاقه‌مندان بسود بلکه نشریه **گنجینه فنون** نیز توسط آن کتابخانه منتشر می‌شد و به فروش می‌رسید.

تأسیس قرائت‌خانه در اماکن تجمع. از جمله قرائت‌خانه‌هایی که در رابطه بسا انتشار روزنامه‌ها و برای اشاعه مطبوعات به وجود آمد می‌توان از قرائت‌خانه‌ای نام برد که در نزدیکی مهمانخانه جنب قاری‌کورپرسی (پل پیرزن) در تبریز توسط معزالدوله کلانتری باغ‌میشه در حدود سال ۱۳۲۱ ه. ق. تأسیس شد ۳۲. تأسیس این قرائت‌خانه در آن زمان به حدی جلب نظر کرده که دو نامه در این باره به دفتر روزنامه **ثریا** ۳۳ رسیده است. نمونه دیگر قرائت‌خانه متأخریست که در مهمانخانه محمدیه تبریز دایر شده است. در این قرائت‌خانه جراید قفقاز و ایران در اختیار مسلمین قرار داشته و در آگهی آن آمده است که «برای عمومی که در قرائت‌خانه است قیمت چای تخفیف داده خواهد شد» ۳۴. درست روشن نیست که تخفیف در قیمت چای برای جلب مشتری به قرائت‌خانه بوده است، یا تعداد علاقه‌مندان به مطالعه نشریات به حدی بوده که چایخانه از تخفیف ضرر نمی‌کرده است!

کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌ها بین سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۲ ه. ق.

الف - تهران

قرائت‌خانه مظفری. این قرائت‌خانه در سال ۱۳۲۲ ه. ق. توسط ادیب‌الممالک فراهانی تأسیس شد. خود او در مقاله بلندی ۳۵ در این باره چنین می‌نویسد «بنده نگارنده چندی در خیال احداث قرائت‌خانه منظم و مرتب بودم». انگیزه این «خیال» بیش از هر چیز فراهم نمودن «تعلیم عمومی» از طریق منابع مکتوب برای قشر علاقه‌مند و کم‌بضاعت جامعه است، «واضح‌تر کنم فلان شخص نهایت رغبت را دارد که تمام جراید را بخواند و این کار یعنی آبونه و اشتراك جراید مفیده اقلا در سال شصت هفتاد تومان لازم دارد یا کمال میل را دارد کتب علمیه یا ادبیه، یا رمان علمی و تاریخی و اخلاقی مطالعه نماید و جمع تمام آنها کاری است مشکل و مؤنه بسیار لازم دارد. و وسعت همه‌کس با این اندازه همراهی نخواهد کرد». سپس به ارزش‌گذاری برخی از آثار توجه می‌کند و می‌گوید «بعضی از کتابها و جراید فقط يك مرتبه خواندن دارد و نتیجه دائمی ندارد».

هدف اصلی او در این مقاله سوق دادن خواننده در جهت درك ضرورت تأسیس کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌هاست. پس از این که به کشورهای اروپایی توجه می‌دهد

در این باره چنین می‌نویسد: «کتابخانه‌های ملی ابداع و قرائت‌خانه‌های عمومی اختراع کرده‌اند و در واقع عذر را بر همه‌کس بسته‌اند و هرکس طالب کتابی باشد فوراً بدان کتابخانه حاضر و کتاب مطلوب خود را طلب می‌نماید و مباشرین کتابخانه به او تقدیم می‌نمایند، هر قدر دلش می‌خواهد ملاحظه و مطالعه می‌نماید». در طرح مسائل مربوط به ایران به نکته‌ی ظریفی در مورد عادت به مطالعه اشاره می‌کند به بیان خود نویسنده «امروز یک عشر مردم ایران به خواندن جراید ملیه و علمیه راغبند و بقیه هنوز نقل قصه‌ی حسین‌کرد را بر مطالعه‌ی کتب علمی اخلاقی ترجیح می‌دهند». با این همه ناامید نیست «پاید به زحمت بسیار آنها را هم به کار وادار کرد».

نیازهای یک کتابخانه مجهز و همچنین مشکلات انجام این کار در ایران در قسمت دیگری از مقاله به این صورت مطرح می‌کند: «واضح است که این کار مخارج بسیار می‌خواهد تا از تمام کتابهای مطبوعه‌ی تمام عالم در محلی حاضر و مجتمع شود و خود آن محل هم ناچار باید محلی خوش و باطراوت باشد که موجب کسالت نشود و هزار شرط دیگر هم دارد». علی‌رغم کلیه‌ی مشکلات فکر تأسیس کتابخانه را با «اغلب دوستان و دانایان» در میان می‌گذارد. از بیشتر آنها کلمه‌ی «یأس» می‌شنود. بالاخره مجدداً اسلام کرمانی ۲۶ نظر او را می‌پسندد و «قبول معاونت و شرکت» می‌کند. قرار بر این می‌شود کتابخانه با امکانات محدودی شروع به کار کند و سپس به تدریج گسترش یابد. به بیان خود ادیب‌الممالک «چون ما اول‌کسی هستیم که اولین قرائت‌خانه را تأسیس می‌نماییم... بهتر است که ابتدا مختصر کتابخانه‌ای تشکیل دهیم». مجموعه‌ی کتابخانه از دو بخش کتاب و جراید تشکیل می‌شود. موضوع کتابها به این شرح مشخص شده است: «کتب علمیه و ادبیه و پاره‌ای از کتب تفسیر و لغت و اخبار و تواریخ و رمانهای مطبوعه مصر و بیروت و پاریس و ایران» و در مورد مطبوعات «جراید موجوده متداوله». بنیانگذار کتابخانه بلندیپرواز است و برای گسترش کار امیدها در دل دارد «سال دیگر در این موقع معادل پنج هزار تومان از انواع و اقسام کتب مطبوعه‌ی تمام دنیا در این کتابخانه حاضر و آماده باشد تا هرکس گم‌شده‌ی خود را بتواند پیدا کند».

در آهاز کارها خوب پیش می‌رود. کتابخانه در خیابان ناصریه مقابل تلگرافخانه تأسیس می‌شود. برای این که علاقه‌مندان بتوانند با سهولت بیشتر از قرائت‌خانه استفاده کنند قیمت بلیط ورود «سه‌شاهی» تعیین می‌گردد. همچنین تهیه‌ی فهرستی از کتابها و مطبوعات موجود در قرائت‌خانه، جهت سهولت کار مراجعان، پیش‌بینی می‌شود. در این دوره توجه علاقه‌مندان و «اقبال معارف‌پژوهان» و رفت و آمد در قرائت‌خانه به حدی است که تصمیم به گسترش آن گرفته می‌شود و محل وسیعتری «که اسباب انفجار خاطر واردین محترم نشود» ۲۷، در همان خیابان ناصریه برای قرائت‌خانه در نظر گرفته می‌شود. امکانات و تسهیلات محل جدید به این صورت اعلام شده است: «هرکس می‌تواند داخل مخزن بشود، روی صندلی بنشیند، روزنامه و کتاب بخواند و به انواع نقشه‌ها نظر کند». مدیر قرائت‌خانه میرزا ابراهیم کتابفروش است. به

جنبه‌های رفاهی نیز توجه شده «چای و قلیان خوب هم برای رفع کسالت آنجاست»^{۲۸}. فعالیت‌های جنبی دیگری نیز برای قرائتخانه در نظر گرفته شده است، از جمله مرکز توزیع و «مرکز وکالت» (نمایندگی) جراید ادب، ثریا، نوروز مظفری، محل فروش کتاب خصوصاً کتب درسی مدرسه دارالفنون، و نیز انجام خدمات مانند خرید کتاب، لوازم التحریر و غیره برای «مکاتب ایران»^{۲۹}.

پس از مسافرت مؤسس قرائتخانه به بادکوبه در سال ۱۳۲۳ ه. ق. مسئولیت امور قرائتخانه بیشتر برعهده مجدالاسلام و معین‌الطما قرار می‌گیرد^{۳۰}. در این دوره کارها به دشواری می‌افتد. قرائتخانه چندی در خیابان شمس‌العماره دایر می‌شود، سپس به سبب عدم استقبال و گرانی کرایه به خیابان لاله‌زار و بالاخره به خیابان جلیل‌آباد انتقال داده می‌شود^{۳۱}. در این مرحله جنبش مجددی در کار قرائتخانه به‌چشم می‌خورد. از عموم برای استفاده از کتب و مجلات دعوت می‌شود، از جمله از طلاب دعوت می‌شود تا از «کتب فقه و اصول و حکمت و مقدمات» که در کتابخانه موجود است استفاده کنند^{۳۲}.

پس از تبعید مجدالاسلام به کلات نادری در سال ۱۳۲۳ ۲۲ از سرنوشت قرائتخانه خبری در دست نیست. در بازگشت از تبعید و تأسیس روزنامه «ندای وطن» در ذیقعدة سال ۱۳۲۴ ه. ق.، نامبرده جنب اداره روزنامه قرائتخانه‌ای به نام قرائتخانه ملی تأسیس می‌کند^{۳۳}.

چندی بعد انعکاس سرخوردگی و پشیمانی ادیب‌الممالک و مجدالاسلام در جراید دیده می‌شود. ادیب‌الممالک در سال ۱۳۲۴ ه. ق. به مناسبت تأسیس کتابخانه ملی در تهران که پس از این مطرح خواهد شد مقاله بلندی دیگری^{۳۴} می‌نویسد و به تجربه گذشته خود به این صورت اشاره می‌کند: «این بنده هم دو سال قبل از این در افتتاح قرائتخانه و ترتیب کتابخانه زحمتها کشیده و مخارج بسیار نموده». به نظر وی چون ترتیب کار «اساسی» نبوده، «غیر از آنکه قریب پانصد تومان به بنده ضرر وارد آورده، فایده‌ای نصیب «ملت» نشد. راه توفیق به نظر او اینست که «کتابخانه بجانی باشد، نه آنطوری که بنده اقدام نمودم و تمام مصارف را به شخصه متحمل میشدم و از هر واردی سه شاهی حق‌الورود می‌گرفتم».

مجدالاسلام نیز در مقاله نسبتاً بلندی^{۳۵} گوشه‌هایی از دل پر درد خود را آشکار کرده است. از فکر تأسیس کتابخانه ملی ۱۳۲۴ استقبال می‌کند، ولی درهین‌حال عدم استمرار در امور، دوباره کاری و عجله و «قیل و قال» را سخت مورد انتقاد قسراز می‌دهد. به تجربه‌ای که تأسیس قرائتخانه ملی به دست آورده به این صورت اشاره می‌کند که نوشتن «نظامات» و «مواجب» و «مصارف» و «شرط دخول» مشکل نیست ولی اگر قرار است اینها در «طاق‌نسیان» گذاشته شود چه سود؟ در قسمت دیگر از مقاله می‌نویسد «ما ایرانیان عجول ابن‌الوقتیم و معتقد به تدریج و تأنی نیستیم. در امروز می‌خواهیم و از فردا بی‌طرفیم». به نظر او تنها «به تدریج» و «با توجه به ماقبل» می‌توان به کمال رسید.

کتابخانه ملی: کتابخانه‌ای که به این نام در سال ۱۳۲۴ ه. ق. در تهران تأسیس شد، نخست در سال ۱۳۲۲ ه. ق. و در حقیقت به عنوان پوششی برای تجمع آزادپخواهان به وجود آمد. در سال ۱۳۲۳ کار تشکیل کتابخانه به شکل جدی‌تری دنبال شد و سرانجام این کتابخانه در تاریخ اول حمل (فروردین) ۱۳۲۴ ه. ق. یعنی حدود شش‌ماه پس از صدور فرمان مشروطیت افتتاح گردید. محل این کتابخانه ابتدا جنب مدرسه دارالشفا بوده و سپس با توجه به گسترش مجموعه ۵۵ و کثرت مراجعان به محل دیگری در خیابان ناصری (شمس‌الماراه) در اول کوچه آرامنه انتقال داده شد. باید توجه داشت که بنیانگزاران کتابخانه محل اخیر را يك محل موقت می‌شمردند و هدف اصلی آنها این بوده است که از «اعانات» جمع شده «محل مخصوصی خریداری شود». اعضای مؤسس کتابخانه هشت نفر ذکر شده‌اند. مدیریت کتابخانه بر عهده منشی هیئت مؤسس یعنی سید نصرالله تقوی ۵۲ بوده است. در آگهی مربوط به تأسیس این کتابخانه ساعت کار آن - جز در ماه مبارک رمضان - از صبح تا یکساعت به غروب مانده و استفاده از مجموعه آن برای «عموم اهل علم» مجانی ذکر شده است. ۵۴.

نظامنامه این کتابخانه در دو فصل و ۲۷ ماده در مطبوعات وقت منتشر شد. ۵۵. در این‌جا به نکاتی از این نظامنامه توجه داده می‌شود:

- تأسیس کتابخانه ملی و نام اعضای مؤسس آن به تصویب وزیر علوم رسیده ولی کتابخانه کمکی از دولت دریافت نمی‌کند و از طریق کمکهای جنسی و نقدی «نوعپرستان و خیرخواهان» اداره می‌شود.

- اعضای هیئت‌مدیره موظف هستند هفته‌ای يك مرتبه در کتابخانه ملی حاضر شوند و به امور جاری رسیدگی کنند.

- کتابخانه توسط شش نفر با نامهای منشی، دفتردار، کتابدار، معاون کتابدار، خادم و دربان اداره می‌شود. منشی که در حقیقت دبیر جلسات هیئت مؤسس است بر امور کتابخانه سرپرستی کلی دارد و «مسئولیت کتب و اثالیه» بر عهده کتابدار است. - مجموعه کتابخانه شامل کتاب، روزنامه، و نقشه است. در حالی که بیشتر مجموعه اهدایی است پیش‌بینی خرید کتاب و مواد نیز شده است. کلیه مواد کتابخانه ممبر به مهر بیضی‌شکل کتابخانه خواهد بود.

- برای درخواست کتاب مراجعین ابتدا «از دفتر کتب که در اطلاق مقدم کتابخانه» قرار دارد استفاده نموده، سپس «طبق شماره» کتب مورد نیاز خود را درخواست می‌کنند. کتابدار که در همین اطلاق حضور دارد «مقدم‌واردین را پذیراست». - استفاده از مجموعه در محل برای عموم مجانی است. چنانچه کسی مایل به امانت کتاب باشد «ملتزم است همه‌ساله از يك تومان الی ده تومان» بپردازد. مدت امانت کتاب سه روز تعیین شده است.

- واردین به کتابخانه باید به نکات زیر توجه کنند: (۱) کتاب، عصا و غیره را در اطلاق مقدم به دربان سپرده شود، (۲) بلندکتاب‌خواندن یا داستان مفصلی را بیان

کردن ممنوع است، ۳) صحبت‌های دولتی و پولیتیکای رأیاً ممنوع است، و ۴) تجربیات در حواشی کتب و روزنامه‌جات جداً قدغن است.

— برای بهبود وضع کتابخانه دفتر سفیدی روی میز گذاشته شده تا واردین هر نوع «خلاف احترام عمدی» و یا «نقصان ممکن‌الاصلاحی» را در کتابخانه مشاهده کنند یا ذکر «تاریخ، امضا و آدرس» در آن دفتر بنویسند.

تأسیس این کتابخانه و گفتگوی مربوط به آن انگیزه‌ایست برای نوشتن مقاله‌هایی درباره کتابخانه‌های عمومی یا ملی در مطبوعات وقت. نگرش این نویسندگان در مورد کتابخانه‌های ملی یا در حقیقت عمومی به این شرح است. ادیب‌الممالک ضرورت تأسیس «کتابخانه‌های ملی» را از یکسو «احتیاج مردم به کتاب» و از سوی دیگر کثرت چاپ کتاب و روزنامه می‌داند. آنجا که می‌نویسد «هیچ‌کس نیست که بتواند تمام کتابهای مطبوعه عالم را در یکجا جمع و بشخصه خریداری کند» مسئولیت فرد را به جمع منتقل می‌کند. او کتابخانه‌ای را کتابخانه عمومی می‌داند که کتابهای مفید و به‌درد بخور مردم را جمع‌آوری کند، مجانی باشد و تنها در پایتخت تأسیس نشود بلکه «شعبه آن بتمام ولایات داخله» کشیده شود. تأسیس کتابخانه را بیشتر از راه «اعانت بزرگان و دانشمندان» می‌داند. به دولت چندان اعتقادی ندارد همینکه دولت مشوق باشد و نه «سد راه» به نظر وی کافی است.

محمدحسین فروغی ذکاءالملک^{۵۷} در مقاله خود به طالبان معرفت اشاره می‌کند و به این نکته توجه می‌دهد که برخی از طالبان «لرئومند» و برخی دیگر «مستمند» هستند^{۵۸}. تحصیل کتب را برای گروه اخیر بسیار سخت می‌داند و عقیده دارد که «کتابخانه ملی» به بهای بسیار کم و ناچیز کتاب را در دسترس همه‌کس قرار می‌دهد، که بتواند برود و آنجا بنشیند و هر کتابی را که می‌خواهد بطلبد و بگیرد و بخواند. به‌طور خلاصه تأسیس کتابخانه عمومی را از سه جهت ضروری می‌داند: «رفع حاجت طلاب مؤلفین و مصنفین و ارباب تفنن»، «ترویج علوم و معارف» و «بالاخره این که کتابخانه عمومی اسباب «آبرو و اعتبار پایتخت» است.

مجددالاسلام مقاله خود را با ذکر آمارهایی از کتابخانه‌های آلمان، اطریش، انگلیس، ایتالیا، بلژیک، روسیه و فرانسه آغاز می‌کند^{۵۹}. سپس به ذکر تسهیلات موجود در این‌گونه مؤسسات می‌پردازد و از جمله به ساعات کار مناسب، گرمای محل کتابخانه در زمستان، امکانات سهل برای استفاده از کتاب در محل، شرایط امانت و تمدید امانت کتاب اشاره می‌کند. نکته اساسی که به آن توجه می‌دهد اینست که این مجموعه‌ها را صرفاً «برای تجلیل و شوکت دولتی و ملی جمع نکرده‌اند بلکه برای ترقی علوم و معارف و انتفاع ملت است». در جای دیگر از همین مقاله به ایران اشاره می‌کند و ضمن تأکید بر ضرورت تأسیس کتابخانه ملی می‌نویسد «معارف را اسباب لازم است» و این «اسباب» به نظر او عبارتست از «مطبعه و مدرسه و کتاب».

کتابخانه مدرسه دارالفنون. پیش از این به کتابخانه دارالفنون اشاره شد. تحرك فرهنگی و اجتماعی زمان بر این کتابخانه نیز تأثیر گذاشت. انعکاس این تأثیر

به این صورت بود که در سال ۱۳۲۳ ه. ق. کتابخانه از شکل اختصاصی خارج شد «تا فایده عمومی برای اینای مملکت از هر طبقه پیدا کند»^{۶۵}. در واقع کتابخانه به یک کتابخانه عمومی تبدیل شد و «هر کس از طلاب و غیرهم در هر موقمی به قرائت کتابی احتیاج داشته باشد، کتابخانه مبارکه برای رفع احتیاج آن حاضر خواهد بود».

در همین تاریخ، تشکیلات جدیدی در کتابخانه داده شد^{۶۱}، و با توجه به افزایش انتشار کتاب در ایران کوشش شد مجموعه این کتابخانه گسترش یابد. به این منظور درخواستی از طرف وزارت معارف در مطبوعات وقت انتشار یافت مبنی بر اینکه «کلیه مصنفین گرام و مؤلفین عظام و مطبوعه‌ها و چاپخانه‌های دارالخلافه هرکدام کتابی از نتایج افکار خودشان یا افکار دیگران به طبع رسانند یک جلد به این کتابخانه مبارکه به رسم یادگاری مجاناً تقدیم دارند»^{۶۲}. به گمان ما فکر تسلیم نسخ مجانی به یک کتابخانه رسمی دولتی در این اعلان نهفته است. در اعلان مذکور سه تشویق اهداکنندگان نیز توجه شده است از جمله این که این امر «اسباب راحت از برای عموم اهل علم» و در حقیقت «باعث خیر دنیا و آخرت» آنها خواهد بود.

در مورد اداره امور کتابخانه اطلاعات چندانی در دست نیست. تنها می‌توان به این نکته توجه داد که تا سال ۱۳۲۳ ه. ق. تنها میرزا سید احمد نامی به عنوان «نویسنده»، «مستوفی» و «مشرف» کتابخانه به خدمت اشتغال داشته^{۶۳} و پس از این تاریخ و مقارن با تغییراتی که ذکر شد عون‌الوزاره به عنوان «کتابدارباشی» و میرزا سید طلیخان به‌عنوان «منشی» و «مشرف» کتابخانه تعیین شدند^{۶۴}.

در همین دوره تحول دیگری نیز در مدرسه دیده می‌شود. در سال ۱۳۲۵ ه. ق. تعدادی از دانشجویان مدرسه دارالقنون شرکتی تأسیس می‌کنند تا کتابخانه‌ای مشتمل بر کتب فرانسه در مدرسه فراهم سازند^{۶۵}. نوع کتابها عبارتست از «کتب ادبیات فرانسه و خارجه و رمان و اشعار و کتب تاریخی و جغرافیایی و حقوقی و فلسوفی و علوم». هدف از تأسیس کتابخانه ایجاد امکانات برای «تحصیلات اروپایی» ذکر شده است. علاوه بر کتابهایی که بنیانگذاران اصلی کتابخانه فراهم آورده‌اند از سایر علاقه‌مندان درخواست شده به این مجموعه کتاب هدیه کنند. دو گروه می‌توانند از این کتابخانه استفاده کنند و کتاب امانت بگیرند، یکی «شاگردان عضو این شرکت» و دیگر اعضایی که «حق دخول یک تومان و ماهی دو قران مقرر شده را بپردازند»^{۶۶}. ساعت کار این کتابخانه تمام بعد از ظهرها قید شده است.

قرائت‌خانه اسلامی. با توجه به اینکه آگهی تأسیس این قرائت‌خانه در ماه رمضان ۱۳۲۴ ه. ق. در مطبوعات منتشر شده به نظر می‌رسد که این اولین قرائت‌خانه‌ایست که پس از صدور فرمان مشروطیت (۱۴ جمادی‌الثانی) آغاز به کار نموده است. مؤسس این قرائت‌خانه شخصی به نام سید حسین رزاز تجربی است که «پامداد جمعی از خیرخواهان وطن و مدیران مدارس» اقدام به تأسیس قرائت‌خانه نموده است. محل قرائت‌خانه «ملیه، خیریه، اسلامی» در دروازه قزوین، جنب بازارچه سه‌پنجان «در مغازه‌های فوقانی» ذکر شده و صرفاً محلی برای مطالعه مطبوعات بوده

است. به بیان خود آگهی «آقایانی که میل بخواندن بجراید و روزنامهجات دارند از هر قبیل حاضر و آماده است». این قرائتخانه ظاهراً نظامنامه‌ای هم داشته است که به دست نیامد^{۶۷}. ذکر این نکته در اینجا ضرورت دارد که در اعلان تأسیس این گونه مؤسسات همواره دو جنبه مد نظر مؤسس یا مؤسسين بوده، یکی اعلام موجودیت کتابخانه یا قرائتخانه و دیگر درخواست کمکهای نقدی و اهدایی کتاب و مطبوعات. **قرائتخانه وطنیه**. این قرائتخانه که به احتمال قوی در حدود سال ۱۳۲۵ ه. ق. در مجاورت مجلس شورای ملی تأسیس شد آخرین قرائتخانه‌ایست که اطلاعاتی درباره آن در دست است، به این معنی که در موقع بمباردمان مجلس در ۲۳ جمادی-الاول ۱۳۲۶ ه. ق. این محل نیز تاراج شده است^{۶۸}. در مطبوعات همچنین اشاره‌هایی در مورد تأسیس مجدد این قرائتخانه در دست است که از حدود زمانی این مقاله خارج است.

کتابخانه‌ها و قرائتخانه‌های این دوره جز يك مورد کتابخانه دارالفنون، همانگونه که نشان داده شد، همه با سعی و کوشش افراد علاقه‌مند به وجود آمد. ولی به نظر می‌رسد که تأسیس کتابخانه و قرائتخانه توسط دولت نیز مطرح بوده است. از جمله می‌توان به شواهد زیر استناد کرد. در قانون بلدیه مصوب ۱۳۲۵ ه. ق. و قانون مطبوعات مصوب ۱۳۲۶ ه. ق. به تأسیس کتابخانه و قرائتخانه در تهران و ایران توجه شده است. همچنین در نامه مورخ ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ه. ق. یکی از رجال وقت به «کتابخانه ملی» به‌عنوان «یکی از تأسیسات مجلس ملی» اشاره شده^{۶۹} و محمود احتشام‌السلطنه^{۷۰} نیز ۱۰۹۱ جلد کتاب برای کتابخانه ملی اختصاص داده بوده است^{۷۱}. با اینکه تأسیس چنین کتابخانه‌ای در آن زمان تحقق نیافت به نظر می‌رسد فکر تأسیس کتابخانه مجلس شورای ملی به‌عنوان «کتابخانه ملی» در همان زمان به وجود آمده است.

ب - خارج از تهران

پس از استقرار دولت جدید، طی سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۴ ه. ق.، کتابخانه‌ها و قرائتخانه‌هایی در شهرهای یابل^{۷۲}، بندرعباس، بندر لنگه، بوشهر، شیراز، رشت، قزوین، قم^{۷۳}، مشهد و همدان تأسیس شد. در این قسمت اطلاعات به دست آمده درباره این مؤسسات ارائه می‌شود.

کتابخانه اسلامی بوشهر^{۷۴}. این کتابخانه توسط بیست عضو مؤسس که «بعضی جوانان هستند» تأسیس شد و از «آقایان علمای اعلام فتاوی متعده در وجوب افتتاح آن» اخذ گردیده است. مجموعه این کتابخانه مشتمل بر «بعضی کتب دینی و تصنیفات ایمانیه و جراید اسلامی» ذکر شده است. ظاهراً پس از مدت کوتاهی کتابخانه مورد انتقاد بدخواهان و بدگویان واقع می‌شود، ولی پس از درج مقاله شیداللمحنی در روزنامه **حبل‌المثین** تغییر رویه مخالفان حاصل می‌شود و توجه تعداد بیشتری به کتابخانه جلب می‌شود و «معاونین به کتابخانه نسبت به سابق ازدیاد

پن‌دیرفته» است. در میان اسامی شانزده نفری که در این مرحله به کتابخانه کمک نموده‌اند، علاوه بر نام مصادر امور از جمله متین‌السلطنه دریابییگی بوشهر ۷۵ نام مدیر مدرسه، مدیر مطبعه، و چند کارمند اداره از جمله گمرک دیده می‌شود.

قرائت‌خانه بندرعباس ۷۶. این قرائت‌خانه در رابطه با انجمن ولایتی این شهر، موسوم به انجمن جاوید و به عنوان محلی برای تشکیل جلسات انجمن تأسیس شد. تعداد کتب این قرائت‌خانه پانصد جلد ذکر شده است.

قرائت‌خانه بندر لنگه ۷۷. این قرائت‌خانه نیز در رابطه با انجمن ولایتی این شهر، موسوم به انجمن آزاد تأسیس شد و در موقع افتتاح «در روز جمعه ۲۷ شهر رجب ۱۳۲۵ ه. ق. دارای دویست و پنجاه جلد کتاب منتخب و سی و هشت روزنامه» بوده است. این قرائت‌خانه چندی پس از تأسیس مورد حمله قرار گرفته که «تحقیقاً روشن شد جسارت نسبت به قرائت‌خانه» از ناحیه «مجلسه ظلم و استبداد محمدباقر کلاتر و مستبد دیگر مسعودالمالک، نایب‌الحکومه» بوده «روز دوم پس از این واقعه هایل به جناب دریابییگی شکستهای سرلوحه را جمع کرده روی تخته کوبیده بدست خود سردر قرائت‌خانه و انجمن نصب کردند».

قرائت‌خانه‌های رشت. در رشت در دوران بعد از استقرار مشروطیت دو قرائت‌خانه تأسیس شده است. یکی قرائت‌خانه انجمن ایالتی گیلان ۷۸ و دیگری قرائت‌خانه ملی ۷۹. قرائت‌خانه اخیر توسط میرزا ابوالقاسم اصفهانی در بازارچه سبزه میدان تأسیس شد. نامبرده ضمن اعلان تأسیس درخواست ارسال «دو نسخه جراید و کتب مفیده و تازه» را نیز نموده است. در همین اعلان برای پرداخت «مخارج» و «قیمت هر معامله» اعلام آمادگی شده است.

قرائت‌خانه و کتابخانه ملی شیراز ۸۰. این قرائت‌خانه توسط عبدالحسین تاج-الشمرا، نماینده «جریده خورشید» و سایر جراید» در شیراز تأسیس شد. محل آن، که مرکز فروش مطبوعات نیز بوده، در آستانه مبارکه شاهچراغ (ع) قرار داشته است. **کتابخانه مسعودیه قزوین ۸۱.** این کتابخانه که به همت حاجی شیخ‌الاسلام جنب مدرسه امید تأسیس شد در «روز ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ ه. ق. طی مراسمی گشایش یافت». تمام مخارج این کتابخانه از قبیل «پول فراش و کتب و روزنامجات و دیگر لوازم» توسط مؤسس تقبل شده است.

کتابخانه عمومی همدان ۸۲. این کتابخانه در سال ۱۳۲۵ ه. ق. توسط محمدتقی نراقی از فرهنگیان و مدیر مدرسه فخریه همدان تأسیس شد. محل این کتابخانه در همان محل مدرسه قرار داشته و مجموعه آن دارای «اقسام کتب مفیده و جراید» بوده است. جهت توسعه کتابخانه از «ارباب جراید و مصنفین» درخواست شده «نمونه کتب و جراید خود را بدانجا ایفاد نمایند».

قرائت‌خانه‌های مشهد. در این دوره در مشهد دو قرائت‌خانه تشکیل شده است. قرائت‌خانه سمدت در تاریخ اول ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۵ ه. ق. آغاز به کار کرد ۸۳. مقدمات تأسیس این قرائت‌خانه توسط محمدصادق تبریزی ۸۴، «نماینده جراید اسلامی»

در خراسان»، و از دوستان ادیب‌الممالک با تأسیس قرائت‌خانه اتحادیه در سال ۱۳۲۴ ه. ق. فراهم شد. مؤسس، ضرورت تأسیس قرائت‌خانه سعادت را در مقاله بلندی که در این زمینه نوشته ۸۶ به این صورت مطرح می‌کند که «لامحاله در این مملکت عجالتاً یکپاپ قرائت‌خانه که اقلاً جراید اسلامی و بعضی از کتب مفید در آنجا باشد» به وجود بیاید. برای انجام این کار «یکهزار بلیت اعانه از قرار یکی پنجهزار دینار» منتشر شد و «ممدودی از امیان و تجار چند بلیت» خریداری کردند. تا آنجا که خود مؤسس اظهار رضایت می‌کند و می‌نویسد «عجالتاً باندازه تأسیس قرائت‌خانه جمع شده است». پس از تشکیل انجمن خیریه سعادت که «برای نشر معارف و تأسیس مدارس و سایر امور خیریه تشکیل شد قرائت‌خانه به صورت جزیی از آن مجموعه فرهنگی درآمد و «رسیدگی به کلیه امور قرائت‌خانه مزبور در تحت نظارت و توجه انجمن عالی داخل است». محل قرائت‌خانه در بالاخیابان در مغازه‌ای جنب مدرسه رحیمیه به‌طور مجانی از طرف حاجی عبدالرحیم صراف در اختیار قرائت‌خانه قرار گرفت» در صورتی که [مغازه را] ماهی پانزده تومان کرایه می‌دادند». مجموعه قرائت‌خانه مشتمل بر «هرگونه جراید فارسی موجود» است و علاقه‌مندان می‌توانستند حق اشتراک روزنامه‌های موجود در قرائت‌خانه را در همانجا بپردازند. استفاده از قرائت‌خانه برای عموم مجانی ذکر شده و «ابدأ کسی حق مطالبه دیناری از کسی به این عنوان ندارد». مدیر قرائت‌خانه میرزا اسدالله‌نامی است و ساعت کار قرائت‌خانه «هر روز از یکساعت از روز گذشته الی دو ساعت از شب رفته» اعلام شده است. این قرائت‌خانه دیر نپاید و با وقایع سیاسی که در سال ۱۳۲۶ ه. ق. رخ داد «از این خانه‌خوابی نیست و نابود شد» ۸۷.

در همین دوره قرائت‌خانه دیگری نیز به نام قرائت‌خانه ملی ۸۸ برای «نشر مطبوعات اسلامی» و «توسعه معارف» و «خدمت به ملت و وطن» توسط شخصی به نام حاجی‌الله‌وردی در مشهد تأسیس شد. اطلاعات دیگری در مورد این قرائت‌خانه به دست نیامد.

نگرش به کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌ها. در آنچه گذشت به بسیاری از نقطه نظرهای موجود در مورد کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌ها توجه داده شد. نمایانترین انگیزه در تأسیس این‌گونه مؤسسات، انگیزه تربیتی است. برای «تکمیل معرفت و ترقی دانش» و برای نیل به «تعلیم عمومی». نیازهای تربیتی کودکان و بزرگسالان به این ترتیب تفکیک شده است «خردسالان را مکتب و مدرسه باید، و بزرگان را قرائت‌خانه که کهتران علم و ادب آموزند و مهتران از اوضاع روزگار و طریق زندگانی باخبر شوند» ۸۹. قول این منابع جملگی بر آن است که این مؤسسات به صورت مجانی یا با پرداخت مبلغ بسیار کمی در اختیار عموم باشد تا دستیابی به کتاب و نشریات به سهولت انجام گیرد. در گوشه و کنار مقالات، یادداشتها، و آگهی‌ها به نکات دیگری نیز توجه شده است، از یاب مثال «بدست آوردن همدم و همصحبیت خوش‌مشرپ و

با ذوق و اهل علم، ۹۰، دور کردن افراد از شرکت «در صحبتهای بیپوده و معاورات نامشروع» ۹۱، و بالاخره پر کردن اوقات بیکاری افرادی که «در قهوه‌خانه بیجهت تزییع عمر» ۹۲ می‌کنند.

یادداشتها

- ۱- مطالعات متعددی در مورد مدرسه دارالفنون در دست است از جمله: فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران (۱۳۴۸) و امیرکبیر و دارالفنون (۱۳۵۴). ۲- اعتضادالسلطنه، مرآت‌البلدان، ج ۳ در یحیی آریین‌پور، از صبا تا نیما (۱۳۵۰) ج ۱: ۲۵۴. ۳- امیرکبیر و دارالفنون: ۲۸۸.
- ۴- مهدی بامداد، تاریخ رجال ایران، ج ۲: ۴۵۹-۴۵۵. ۵- مهدیقلی هدایت، خاطرات و خطرات (۱۳۴۴): ۶۲. ۶- وقایع اتفاقیه، ش ۳۹۵ (۱۲۷۵ ه. ق.). ۷- خاطرات و خطرات: ۶۱.
- ۸- تاریخ رجال ایران، ج ۲: ۴۴۸-۴۴۲. ۹- امیرکبیر و دارالفنون: ۷۳. اطلاع دیگری نیز از اعتضادالسلطنه در دست است که برای تاریخ کتابداری ایران مفید است. در جریان رسیدگی به امور تجار از آنجا که کاغذفروشها و کتابفروشها به کسب خود قناعت نکرده در کار صحافان مداخله می‌کردند دستور می‌دهد «جماعت صحاف که در گوشه و کنار بازار بودند» یکجا در کنار هم جمع شوند. روزنامه دولت علیه، ش ۵۱۳ (۱۲۷۸ ه. ق.). ۱۰- رضاقلی هدایت، تاریخ روضه‌الصفای ناصری، ج ۱۰: ۶۳۶-۶۳۵. ۱۱- «دارالفنون»، سالنامه کشور ایران، سال ۵ (۱۳۲۹). ۱۲- ایران، ش ۵ (۱۲۸۸ ه. ق.). ۱۳- تقویم سال ۱۳۰۹ ه. ق. در درالتیجان فی احوال بنی اشکان (۱۳۱۱-۱۳۰۸ ه. ق.). ۱۴- خلاصه در از صبا تا نیما، ج ۱: ۲۰۰-۱۹۶.
- ۱۵- تقویم سال ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ ه. ق. در تاریخ منتظم ناصری، ج ۲ و ۳. ۱۶- ناصری، ش ۱۸ (۱۳۱۲ ه. ق.). ۱۷- از جمله مهر و وقفنامه در کتاب دیباچه قابوس‌نامه شماره ۴۰۴ چاپی کتابخانه ملی. ۱۸- یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی (۱۳۳۶) ج ۱: ۲۲۲.
- ۱۹- تاریخ رجال ایران، ج ۱: ۱۲۶-۱۲۲. ۲۰- حسین مجبوسی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (۱۳۵۴) ج ۱: ۳۹۸-۳۹۷. توجه به این نکته که دولت باید به تأسیس کتابخانه بپردازد در رساله‌ای که تقریباً در همان دوره نوشته شده نیز مطرح شده است: «از نظر وظایف اگر موزه‌خانه و کتابخانه و مریم‌خانه عمومی در ایران قرار گیرد اینها باید به وزیر علوم سپرده شود». رساله در حقوق اداری، خطی، تحریر ۱۳۱۵ ه. ق. در هما ناطق و فریدون آدمیت، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار (۱۳۵۶): ۵۰۱. ۲۱- تربیت، ش ۱۴۳ (۱۳۱۷ ه. ق.). ۲۲- حیات یحیی، ج ۱: ۲۳۹.
- ۲۳- تربیت، ش ۱۷۱ (۱۳۱۷ ه. ق.). ۲۴- گریبا، سال ۲، ش ۶-۷ (۱۳۱۷ ه. ق.). ۲۵- در همان سال در مدرسه علمیه تهران نیز کتابخانه کوچکی وجود داشته که «شامل چند نقشه و دو کره کوچک» بوده است. تاریخ مؤسسات تمدنی، ج ۱: ۳۸۵. ۲۶- از صبا تا نیما، ج ۲: ۱۴۶-۱۳۷. ۲۷- تربیت، ش ۱۷۱ (۱۳۱۷ ه. ق.). ۲۸- تربیت، ش ۱۲۸ (۱۳۱۵ ه. ق.). ۲۹- همان، ش ۱۶۰ (۱۳۱۷ ه. ق.). ۳۰- کمال، سال ۲، ش ۱۴ (۱۳۱۹ ه. ق.). ۳۱- ادوارد براون، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران ترجمه محمد عباسی (۱۳۴۱): ۱۱۶.
- ۳۲- سیدحسن قزقزاده، «تنبیه مقدمات مشروطیت در آذربایجان»، نشریه کتابخانه ملی تبریز، ش ۱ (۱۳۳۸): ۲۵-۱۸. ۳۳- گریبا، سال ۵، ش ۲۲ (۱۳۲۱ ه. ق.). ۳۴- انجمن، ۲۲ صفر (۱۳۲۵ ه. ق.). ۳۵- ادب، سال ۳، ش ۳۰ (۱۳۲۲ ه. ق.). ۳۶- احمد مجد-الاسلام گرمائی، تاریخ انحطاط مجلس (۱۳۵۱): مقدمه. ۳۷- ادب، سال ۳، ش ۳۳ (۱۳۲۲ ه. ق.).

- ۳۸- تربیت، ش ۳۴۹ (۱۳۲۲ ه. ق.). ۳۹- ادب، سال ۳، ش ۳۶ (۱۳۲۳ ه. ق.). ۴۰- نریا، سال ۶، ش ۴۰ (۱۳۲۳ ه. ق.). ۴۱- نریا، سال ۷، ش ۱۱ (۱۳۲۳ ه. ق.). ۴۲- همان، ش ۱۴۷ (۱۳۲۳ ه. ق.). ۴۳- احمد مجدالاسلام کرمانی، سفرنامه کلات (۱۳۵۰) ج ۱: ۱۵۰-۱۴۹. همان. ۴۴- صبح صادق، ش ۲۰۴ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۴۵- ادب، سال ۵، ش ۱۸۲ (۱۳۲۴ ه. ق.). ۴۶- ندای وطن، سال ۲، ش ۱۷۱، ۱۶۵، ۱۶۴ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۴۷- مهدی ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (۱۳۳۵-۱۳۲۷) ج ۱: ۲۶۰-۲۵۹، ج ۲: ص ۸. ۴۸- محمد ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان (۱۳۵۷) ج ۱: ۴۳۲-۴۳۰. ۴۹- تربیت، ش ۴۲۵ (۱۳۲۴ ه. ق.). ۵۰- محسن انصاری، «نصرت السلطان انصاری» انجمن تاریخ، شماره ۲ (۱۳۵۷). ۵۱- تربیت، ش ۴۱۸ (۱۳۲۴ ه. ق.). ۵۲- همان، ش ۴۲۵ (۱۳۲۴ ه. ق.). ۵۳- محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۶: ۳۹۴-۳۹۳. ۵۴- صبح صادق، ش ۱۵۸ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۵۵- تربیت، ش ۴۲۵، ۴۲۴ (۱۳۲۴ ه. ق.). ۵۶- ادب، سال ۵، ش ۱۸۲ (۱۳۲۴ ه. ق.). ۵۷- تاریخ رجال ایران، ج ۳: ۳۸۸-۳۸۴. ۵۸- تربیت، ش ۴۱۸ (۱۳۲۴ ه. ق.). ۵۹- ندای وطن، سال ۲، ش ۱۷۱، ۱۶۵، ۱۶۴ (۱۳۲۵ ه. ق.). اشاره به کتابخانه‌های خارج در مطبوعات این دوره بسیار نادر است از جمله «کتابخانه‌های عمومی»، اختر، سال ۲۱، ش ۱۲ (۱۳۱۲ ه. ق.). «قراوت‌خانه در قطار آهن»، مظفری، ش ۳۸ (۱۳۲۱ ه. ق.). ۶۰- ایران، ش ۲۱ (۱۳۲۳ ه. ق.). ۶۱- محمد تقی‌پور احمد جکناچی، تاریخچه کتابخانه ملی ایران (۱۳۵۶): ۵. ۶۲- ایران، ش ۲۱ (۱۳۲۳ ه. ق.). ۶۳- تقویم سالهای ۱۳۲۳-۱۳۱۷ ه. ق. در نامه دانشوران، ج ۶-۳. ۶۴- تقویم سال ۱۳۲۴ ه. ق. در نامه دانشوران، ج ۷. ۶۵- مجلس، سال ۲، ش ۲۴ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۶۶- تربیت، ش ۴۱۸ (۱۳۲۴ ه. ق.). ۶۷- ندای وطن، سال ۱، ش ۱۱ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۶۸- خورشید، سال ۱، ش ۴۲ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۶۹- تربیت، ش ۴۲۱ (۱۳۲۴ ه. ق.). ۷۰- شرق، سال ۱، ش ۶ (۱۳۲۷ ه. ق.). ۷۱- فریدون آدمیت، فکر آزادی (۱۳۴۰): ۲۵۱. ۷۲- تاریخ رجال ایران، ج ۴: ۳۴-۳۳. ۷۳- کیخسرو شاهرخ، یادداشتها (۱۳۵۵): ۱۹۲؛ عبدالحسین حائری، تاریخچه کتابخانه مجلس شورای ملی (۱۳۵۵): ۱۱-۱۰. ۷۴- حبل‌المتین، سال ۱۴، ش ۱۴ (۱۳۲۴ ه. ق.). ۷۵- حبل‌المتین، سال ۱۴، ش ۲۹ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۷۶- حبل‌المتین، سال ۱۴، ش ۱۶ و ۱۶ (۱۳۲۴ ه. ق.). ۷۷- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۳: ۱۵۵-۱۵۴. ۷۸- حبل‌المتین، سال ۱۵، ش ۲۲ (۱۳۲۵ ه. ق.). همان، سال ۱۸، ش ۱۷ (۱۳۲۸). ۷۹- معارف، سال ۱، ش ۵۴ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۸۰- صوراسرافیل، سال ۱، ش ۱۵ (۱۳۲۵ ه. ق.). حبل‌المتین، سال ۱۵، ش ۲۱ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۸۱- ابراهیم فخرانی، گیلان در جنبش مشروطیت (۱۳۵۶): ۱۷۵. ۸۲- معارف، سال ۱، ش ۳۸ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۸۳- خورشید، سال ۱، ش ۴۳ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۸۴- معارف، سال ۱، ش ۴۰ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۸۵- معارف، سال ۱، ش ۴۱ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۸۶- خورشید، سال ۱، ش ۱ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۸۷- معارف، سال ۱، ش ۱ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۸۸- حبل‌المتین، سال ۱۴، ش ۴۴ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۸۹- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲: ۲۵۳. ۹۰- ندای وطن، ش ۷ (۱۳۲۴ ه. ق.). ۹۱- ندای وطن، سال ۱، ش ۲۱ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۹۲- خورشید، سال ۱، ش ۱ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۹۳- خورشید، سال ۱، ش ۱۱ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۹۴- دفتر جمع و خرج مدارس خیریه سعادت مشهد (۱۳۲۷ ه. ق.): ۷. ۹۵- معارف، سال ۱، ش ۵۴ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۹۶- نریا، سال ۷، ش ۱۱ (۱۳۲۳ ه. ق.). معارف، سال ۱، ش ۳۸ (۱۳۲۵ ه. ق.). ۹۷- تربیت، ش ۴۱۸ (۱۳۲۴ ه. ق.). ۹۸- حبل‌المتین، سال ۱۴، ش ۱۶ (۱۳۲۴ ه. ق.). ۹۹- خورشید، سال ۱، ش ۱۱ (۱۳۲۵ ه. ق.).